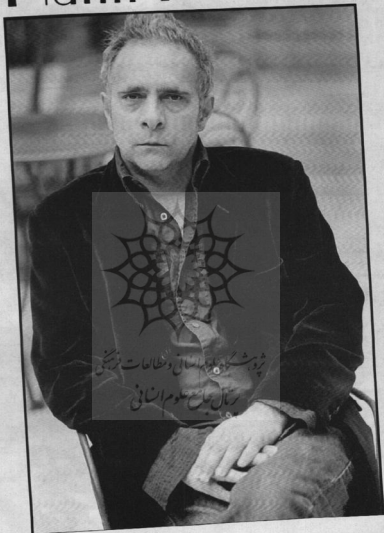


جور دیگری ہم می شود زندگی کرد

Hanif Kureishi

حنیف قریشی



● ترجمه سحر شهامی پور

از همان ابتدا که شروع کردم به نفی خویشتن پاکستانی‌ام، ماجرا به یک مسابقه تبدیل شد. کوشش می‌کردم از اون پاکستانی جلو بزنم. فکر می‌کردم این‌جوری مثل بقیه آدم‌ها می‌شوم.

حنیف فریشی

حنیف فریشی پنجم دسامبر ۱۹۵۴ در براملی انگلیس به دنیا آمده و تجربیات ناب بزرگ شدن همراه با تضادهای فرهنگی و نژادی نشانش را در اکثر آثار او برجای گذاشته است. او که زاده ازدواج مهاجری پاکستانی با زنی انگلیسی است، رنج دوگانگی‌های زندگی با تبارها و فرهنگ‌های مخالف را مستحایه آفرین کرده است.

نوشته‌های فریشی اغلب با بخش‌های تازیک سرشت بشری سروکار دارد و کشمکش‌های پنهانی انسان‌ها را در زندگی اجتماعی به تصویر می‌کشد. فریشی از ابتدای جوانی تصمیم به نوشتن گرفته و هنوز نوجوان بوده که ناپلیران پاکستان‌هایش را قابل چاپ تشخیص می‌دهند او به هنگام تحصیل فلسفه در دانشگاه لندن با نوشتن داستان‌های کوتاه با نام مستعار آنتونیا فرینج ابرار معاش می‌کند اما علاقه‌اش به روان‌شناسی فلسفی، او را به جانب آثار نتیجه، فروید و لاکان می‌کشاند. همین مطالعات است که به نوشته‌های بعدی او عمق و غنای روان‌کاوانه می‌بخشد. به نحوی که با درک دقیق درون انسان‌ها و دریافت بی‌واسطه از عوالم محیط



زندگی، با زبان و جنس گفتاری جذاب، تصاویری منحصر به فرد از کشمکش‌های زندگی و درونی اقلیت نادیده گرفته شده جامعه، ارائه می‌کند.

او بعدها با نوشتن نمایشنامه‌هایی به طرف تئاتر کشیده می‌شود. نخستین نمایشنامه‌اش با عنوان *Soaking up the Heat* و خیس‌اندن گرمه در سال ۱۹۷۶ در رویال کورث لندن به روی صحنه می‌رود.

دومین نمایشنامه با عنوان «سرزمین مادری» *The Mother Country* جایزه‌ای به دست می‌آورد. نمایش «خط مرزی» *Border line* درباره زندگی مهاجران در لندن، «حومه‌ها» *Outskirts*، «پادشاه و من» *The King and Me* (پانسیون‌ترها)، *Boorders* را در سال‌های بعدی در لندن به روی صحنه می‌برد. کارهای بعدی او «پرنده‌ها و گذرگاه» *The Birds and Passage* و اقتباس‌اش از «دنه دلایر» که در سراسر انگلیس به نمایش درمی‌آید، به موقعیت فریشی به عنوان یک نمایشنامه‌نویس معتبر استحکام می‌بخشد. فیلمنامه «رختشویخانه زیبای من» *My Beautiful Laundrette* را در سال ۱۹۸۵ می‌نویسد. ماجرای یک پاکستانی که با دوست همجنس‌گرایش به کلسی می‌برد. این اثر با مضمون تبعیض نژادی، تحسین منتقدان را به دنبال دارد و نامزد جایزه بافتا و نیز نامزد اسکار به خاطر بهترین فیلمنامه می‌شود و جایزه مجمع ملی منتقدان فیلم نیویورک را دریافت می‌کند. یک منتقد در ستایش از این اثر می‌نویسد: این اولین بار است که داستانی درباره مهاجران می‌خوانم که در آن مهاجران نه قربانی‌اند، نه بیگانه. آن‌ها مردمانی‌اند قابل‌درک و مدرن که به زندگی آن‌گونه می‌نگرند که ما نگاه می‌کنیم. اگرچه این اثر از سوی برخی محافل پاکستانی به‌دلیل ارائه شخصیتی با ویژگی‌های خاص، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. فریشی در این اثر با پرهیز از وانمودگری، با توصیفی بی‌رحمانه، واقعیت‌های نژادی جامعه‌های طبقاتی را به تصویر می‌کشد. فیلمنامه بعدی فریشی «شمی و روزی» *Sammy and Rosie Get Laid* با

Hanif Kureishi

مکتشفه دنیای زوجی که در جریان شورش‌های نژادی در لندن به‌سر می‌برند، برخلاف اثر نخستین، با استقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شود. در سال ۱۹۹۱ فیلمنامه «لندن مرا می‌کشد» London Kills Me را می‌نویسد و خودش به عنوان کارگردان پشت دوربین قرار می‌گیرد. سال ۱۹۹۳ «مردای حومه‌نشین» The Buddha of Suburbia را می‌نویسد، که بازتاب مستقیمی از تجربه‌های او به عنوان یک جوان انگلیسی - پاکستانی است که در لندن بزرگ می‌شود. این اثر جایزه White Bread را به عنوان بهترین رمان اول کسب می‌کند. او دو سال بعد دومین رمان خود «آلبوم سیاه» The Black Album را منتشر می‌کند. در سال ۱۹۹۷ داستان کوتاه «پسر خشک‌مشمس من» My son the Fanatic به فیلم برگزیده می‌شود و «مصمیمیت» Intimacy سومین رمان او نیز در سال بعد منتشر می‌شود. زمانی‌که قریشی سرگرم نوشتن فیلمنامه Mauvise Passe است، رمان «مصمیمیت» با کارگردانی پاتریس شوو در حال فیلمبرداری است.

مضامین اصلی غالب آثار او دنیای مواد مخدر و تبهکاران است. این مضامین در فیلم «لندن مرا می‌کشد» بسط می‌یابند. اصلی‌ترین کاراکترهای قریشی بی‌خانمان‌ها و مهاجران‌اند و آن‌چه بیش از همه قریشی درباره‌اش نوشته وطن و توصیف آن به عنوان مکانی است که مهاجران نسبت به آن احساسی تعلق کینه‌ور او در اثر The Black Album اقتضایش ذهنی و تنهایی یک مرد جوان پاکستانی را توصیف می‌کند که گرفتار مارتینگی انتخاب بین والدان سفیدپوست و دوستان مسلمان‌ش است. تمام آثار قریشی و از جمله آلبوم سیاه سرشار از نشانه‌های فرهنگ عامیانه با تله‌های موسیقی و مواد مخدر است. عنصری که شمای غالب آثار او را می‌سازد.



گاه‌شمار کارنامه هنری حنیف قریشی

● محمدرضا فرزاد

- ۱۹۵۴. تولد در لندن
- ۱۹۷۶. نگارش اولین نمایشنامه: «خیانتن گرم» نخستین اجرا در تئاتر رویال کورت لندن.
- ۱۹۷۹. نمایشنامه «شاه و من» در سوهریالی برآوردی صحنه می‌رود.
- ۱۹۸۰. نمایشنامه «سرزین مانی» به روی صحنه می‌رود.
- ۱۹۸۱. نمایشنامه «حومه‌ها جایزه جرج دیواین را از آن خود می‌کند» این نمایش در سوهریالی به روی صحنه می‌رود. اجرای خط حزوی در تئاتر رویال کورت آغاز می‌شود.
- ۱۹۸۲. نویسنده مقیم رویال کورت می‌شود.
- ۱۹۸۳. برندگان گنر در سالن تئاتر همپستید به اجرا در می‌آید.
- ۱۹۸۴. اقتباس تازه او از نمایشنامه «ننه دلاور برشت» در تئاتر پارسیکن به روی صحنه می‌رود.
- ۱۹۸۵. فیلم «رختشویخانه زیبای من» آکران می‌شود. اولین فیلمنامه حنیف